

قطعنامه در مورد بحران هسته ای

1) شورای امنیت سازمان ملل متحد در خرداد ماه سال جاری چهارمین قطعنامه خود را در رابطه با بحران هسته ای ایران به تصویب رساند که در آن ضمن تاکید بر حق ایران به دست یابی به فن آوری صلح آمیز اتمی، جمهوری اسلامی را بدلیل بی اعتنائی به قطعنامه های پیشین شورای امنیت محکوم کرده و سپاه پاسداران و شرکتهای وابسته به آن را بمثابه نیروی هدایت کننده برنامه هسته ای، مورد تحریم های نظامی و اقتصادی قرار داده است. بدنبال تحریم های سازمان ملل، تحریم های مضاعفی نیز از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، کانادا و استرالیا در عرصه های مختلف اقتصادی از جمله در صنایع نفت و گاز ایران اعمال شده است. ماجراجویی جمهوری اسلامی ایران که حاضر به هیچ عقب نشینی از مواضع خود در مذاکرات هسته ای نیست، تنش های بین المللی و منطقه ای را در زمینه سیاست هسته ای ایران افزایش داده است.

2) تحریم های بین المللی و افزایش تنش های فوق در شرایطی شدت گرفته است که شکاف بین مردم و رژیم پس از سرکوب جنبش اعتراضی 22 خرداد عمیق تر شده و به انزوای سیاسی رژیم ابعاد وسیع تری بخشیده است. شعار های مردم در جنبش سبز علیه سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم نشانگر گسترش مخالفت مردم با این سیاست هاست. در افکار عمومی جامعه مسئولیت این تحریم های فزاینده که بار عمده آن بر دوش مردم سنگینی می کند، متوجه باند خامنه ای - احمدی نژاد و مافیای حاکم بر کشور است که با اختصاص بخش بزرگی از درآمدهای حاصله از نفت به برنامه اتمی، حمایت مالی و نظامی از بنیادگرایان اسلامی در منطقه، انکار هلوکاست و تکرار شعار نابودی اسرائیل، ایران را پیش از پیش منزوی کرده و آنرا با خطرات جدی روبرو می سازد.

3) هدف سیاست هسته ای رژیم، تبدیل شدن به یک قدرت اتمی در منطقه است. تمام مانورهای جمهوری اسلامی در مذاکراتش با کشورهای 1 + 5 در این جهت قرار دارد. در داخل کشور نیز لازمه پیشبرد این سرپوش نهادن بر اختلافات میان خودی ها و خصوصا محافل اصلاح طلب در جهت پذیرش اوامر ولی فقیه و یا حتی التزام به حکم حکومتی است. این تاکتیک خامنه ای اگرچه در پاره ای از اصلاح طلبان تمایل به آشتی ملی علیه تهدید خارجی را برانگیخته است، لیکن با مقاومت موسوی و کروبی و غالب اصلاح طلبان زندانی روبرو گردیده است. با این وجود،

عدم مرز بندی موسوی و کربوبی با اساس سیاست اتمی رژیم، محکوم کردن کلیه تحریم های بین المللی و خصوصا پافشاری بر غنی سازی از سوی آنان (در شرایطی که این امر حتی از لحاظ اقتصادی هم برای ایران مقرون به صرفه نیست) عملا بخشی از جنبش سبز را در برابر رژیم خلع سلاح نموده و به اعتبار بین المللی این جنبش آسیب می رساند.

4) استراتژی آمریکا و غرب، جلوگیری از دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای است. حمله نظامی به ایران یا دستیابی رژیم به سلاح هسته ای، آلترناتیو هائی هستند که نمی توانند جز به تخریب و کشتار، خانه خرابی مردم، تقویت استبداد و سرکوب نیرو های ترقی خواه و دمکرات کشور منجر شوند. برعکس وادار کردن رژیم به نوشیدن جام زهر و پذیرش توقف غنی سازی اورانیوم و عقب نشینی در بحران هسته ای به تحریم های بین المللی پایان داده و موجب تضعیف رژیم، تشدید تضاد های درونی آن، محدود شدن امکانات سرکوب و در نتیجه فراهم شدن شرایط گسترش جنبش دمکراتیک مردم می گردد. گرچه مبارزه مردم می تواند در تعیین این سیاست نقش تعیین کننده ای بیابد اما فشار جامعه بین المللی نیز در به عقب راندن جمهوری اسلامی موثر است. بعلاوه رژیم بدون کمک شرکت های خارجی و واردات تکنولوژی هسته ای و تسلیحات مربوطه، که درصد بالائی از بودجه کشور را تشکیل می دهد قادر به غنی سازی اروانیم و دست یابی به سلاح هسته ای نیست.

5) از این رو ما از مبارزات مردم ایران علیه ماجراجویی هسته ای جمهوری اسلامی و افزایش فشار های بین المللی در جهت شفاف سازی سیاست هسته ای و توقف غنی سازی و حل بحران هسته ای ایران حمایت می کنیم. از جمله این فشار ها تحریم های نظامی، تحریم تکنولوژی هسته ای و تحریم سیاسی مقامات جمهوری اسلامی ایران است. ما خواهان آنیم که در مذاکرات هسته ای حقوق بشر قربانی نشود.

6) چهارمین گردهمائی سراسری جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ضمن رد هرگونه راه حل نظامی و تحریم های گسترده اقتصادی که زندگی روزمره مردم را فلج می سازد، و ضمن تاکید بر خواست توقف غنی سازی یادآور میشود که ما در راه تحقق خاورمیانه ای عاری از سلاح هسته ای مبارزه می کنیم. علاوه بر آن گردهمایی چهارم بر سیاست جمهوری خواهان دمکرات و لائیک در زمینه استفاده از انرژی هسته ای که در گردهمایی دوم تصویب شد تاکید می ورزد.